

مآخذ شناسه روش‌های پژوهش در تاریخ

• دکتر حسن حضرتی^۱
استادیار گروه تاریخ دانشگاه تهران

اشاره

روش یا روش‌های پژوهش، از موضوعات مهم و تأثیرگذار در همه‌ی علوم به شمار می‌رود. هر جست‌وجوی علمی منظم و هدفمند نیازمند روش (method) است. بنابراین از زمان تکوین هر علمی، مسأله روش تحقیق در آن مورد توجه قرار گرفته است.

تأمل در روش‌های پژوهش در علوم انسانی نیز همانند دیگر علوم، از نکاتی بوده که ذهن اندیشمندان این حوزه‌ی علمی را به خود معطوف کرده است. در رشته‌های علمی مانند روان‌شناسی، علوم سیاسی و علوم اجتماعی آثار مختلفی در سطوح متفاوت برای تبیین روش‌های تحقیق به نگارش درآمده است. اما سوگمندها باید گفت تاریخ‌دانان در کشور ما چندان دغدغه‌ی روش نداشتند و بیشتر ترجیح می‌دادند درگیر رویداد تاریخی باشند تا روش‌های پژوهش در آن رویداد. شاهد مثال، حجم بسیار محدودی از کتاب‌ها و رساله‌هایی است که در رشته‌ی تاریخ درباره‌ی روش تحقیق به زیور طبع آراسته شده است که در ادامه به نقد و بررسی آن‌ها خواهیم پرداخت.

به هر حال، اگر دانش تاریخ به‌مثابه یک علم مورد پذیرش است، باید در کنار موضوع و فایده، برخوردار از روش علمی ویژه‌ی خود نیز باشد. معمولاً آنان که تاریخ را دانش مستقل تلقی نمی‌کنند و نگاهی برابر با قصه و داستان بدان دارند، از سخن گفتن در باب روش در تاریخ‌شناسی طفره می‌روند. جالب‌تر این که برخی از تاریخ‌ورزان پرکار، که البته به شیوه‌ی سنتی و بدون تکیه بر روش‌های علمی، سالیانی را به غور در تاریخ گذرانیده‌اند، بیش از دیگرانی که اصلاً در این حوزه پژوهشی وارد نمی‌شوند، نسبت به طرح موضوعاتی از قبیل روش‌های پژوهش در تاریخ حساسیت نشان می‌دهند و در مواردی به شدت بدان می‌تازند و ورودکنندگان در آن را به خروج از قلمرو تاریخ و تاریخ‌ورزی متهم می‌کنند.

واقعیت امر این است که اگر پذیرفته‌ایم دپارتمان تاریخ‌شناسی در دانشگاه داشته باشیم، بالطبع باید بپذیریم که در این دپارتمان‌های تاریخ، تاریخ‌شناسی باید به گونه‌ای متفاوت از آنچه بیرون از دانشگاه‌ها به صورت خودجوش و از سر ذوق، دنبال می‌شود، آموزش داده شود. گونه‌ی متفاوت یعنی همان مطالعه‌ی تاریخ مبتنی بر روش‌های علمی که در این حوزه‌ی معرفتی، حالا بعد از چند سده، جا افتاده و مورد پذیرش و تأکید محققان آکادمیک تاریخ‌شناسی در سراسر جهان قرار گرفته است.

می‌دانیم اگر اروپا و به طور کلی غرب در حال حاضر در دانش تاریخ حرفی

مختلفی در زمینه‌ی روش تحقیق نوشته شده، کمک شایانی به تقویت رویکرد علمی در تحقیقات تاریخی خواهد نمود.

تعداد کتاب‌هایی که تاکنون درباره‌ی روش تحقیق در تاریخ تألیف و یا حتی ترجمه شده، کمتر از بیست مورد است که سعی می‌کنیم در این قسمت بیشتر آن‌ها را مورد نقد و بررسی قرار دهیم. بنابراین قضاوت درباره‌ی کیفیت آن‌ها را به سطور آتی وا می‌نهییم. اما پیش‌تر باید به این واقعیت اشاره کنیم که این حجم اندک از تألیف



و ترجمه در زمینه‌ی روش تحقیق در تاریخ، گویای واقعیت‌هایی غیر قابل انکار است؛ نخست این که در اندیشه‌ی تاریخ‌پژوهان دانشگاهی ما موضوع «روش» چندان جایگاهی نداشته است و ندارد. اگر غیر از این بود مثل دیگر رشته‌های علوم انسانی شاهد تحقیقات و تألیفات فراوانی در حوزه‌ی روش تحقیق در تاریخ بودیم، در حالی که این‌گونه نیست. دوم این که، این واقعیت تلخ نشان می‌دهد تا چه حد تحقیقات تاریخی دانشگاهی در کشور، فاقد روش علمی بوده و هست. به عبارت دیگر از این زاویه نمی‌توان میان پژوهش‌های دانشگاهی و غیردانشگاهی تمایز جدی قائل شد. زیرا هر دو این پژوهش‌ها دارای یک وجه مشترک بسیار تعیین‌کننده‌اند و آن فقدان روش و عدم پای بندی به الزامات تحقیق علمی است. سوم این که، این پژوهش‌ها در حد اعلا‌ی خود موفق به ارائه‌ی «اطلاعات» مفید و منظم می‌شوند و نه بیش از آن. به عبارت دیگر نمی‌توانند به سطح نظریه‌پردازی که هیچ، حتی نظریه آزمایی برسند.

اما آثار تألیف و یا ترجمه شده درباره روش‌های پژوهش در تاریخ‌شناسی:

– مقدمه‌ای بر روش تحقیق در تاریخ، م. ذاکر، تهران: نشر آیت، بی تا نمی‌دانیم نویسنده در چه تاریخی کتابش را نوشته و به زور طبع آراسته است، اما از ظواهر امر برمی‌آید که مربوط به پیش از انقلاب باشد. ساختار کتاب مشتمل بر یک مقدمه و چهار فصل کوتاه و یک نتیجه با عنوان «خلاصه متن» است. عناوین فصول چهارگانه عبارت است از ۱. تاریخ چیست؟ ۲. روش شناخت ۳. زمینه شناخت ۴. فلسفه تاریخ.

آن‌گونه که از «مقدمه» نویسنده در ابتدای اثر برمی‌آید، دغدغه جدی وی از تألیف این کتاب، زدودن نگرش‌های قرون وسطایی از ساحت پژوهش‌های تاریخی است. روشی ناصواب که از سوی برخی از محققان تاریخ در پیش گرفته می‌شود تا مبتنی بر پیش فرض‌های خود، ابتدا پیش‌داوری کنند و سپس برای اثبات آن پیش‌داوری‌ها به پژوهش پردازند. به زعم نویسنده، این رویه که ریشه در نگرش قرون وسطایی به تاریخ دارد، در حال حاضر نیز به عنوان آفت جدی تحقیقات تاریخی در جوامع مسلمان و بخصوص ایران به شمار می‌رود: «عالم در این‌جا به آن محقق گفته می‌شود که از آغاز تحقیق در پی اثبات این حقایق باشد و از این‌گونه محققان در زمان ما کم نیستند، محققانی که با پذیرش قالب‌های تحقیقی و تحلیلی آماده و با تعهد به تعمیم و تحمیل عقیده، به پژوهش در حوزه‌های گوناگون علمی می‌پردازند و در عصر حاضر پهنه علوم انسانی و بخصوص تاریخ عرصه عمل چنین محققانی

برای گفتن دارد، از آن روست که از قرن هیجدهم، قالب‌های سنتی را شکسته و در مسیر روش‌مندی گام برداشته است. این را هم می‌دانیم که اگر ما اکنون نمی‌توانیم همانند اندیشمندان غرب به تولید علم در گستره‌ی تاریخ ایران و اسلام بپردازیم، به جهت عدم تسلط کافی به مقوله‌ی روش در تاریخ‌پژوهی است. اهل فن می‌دانند که مهم‌ترین کتاب‌های دانشگاهی در حوزه‌ی تاریخ ایران باستان و ایران اسلامی به وسیله‌ی مستشرقان سرشناس نوشته شده است و خود ما کمترین سهم را داریم. در حوزه‌ی تاریخ اسلام و حتی تاریخ تشیع هم وضع به همین منوال است. چند درصد تولیدات علمی قابل اعتنا از آن خود مسلمانان است؟ مهم‌ترین کتاب‌هایی که درباره‌ی تاریخ تمدن اسلامی نوشته شده، چند درصد آن به قلم نویسندگان مسلمان است؟ به جرأت می‌توان گفت که هیچ تفاوتی بین ما و غربیان در این موضوع نیست مگر این که آنان اشراف و تسلط به روش دارند و برعکس ما در این بخش ضعیف و آسیب‌پذیر نشان می‌دهیم.

پژوهش‌های مربوط به تاریخ انقلاب اسلامی هم از چنین وضعیتی برخوردار است. علیرغم این که مواد اولیه اعم از اسناد و خاطرات و دیگر منابع مکتوب و غیر مکتوب درباره‌ی انقلاب اسلامی اغلب در داخل کشور و در دسترس محققان بومی قرار دارد، اما شاهدیم که هم از حیث کمی و کیفی، آثاری که در دانشگاه‌های اروپا و آمریکا درباره‌ی انقلاب اسلامی نوشته و منتشر می‌شود، از قوت و استحکام علمی بیشتری برخوردار است.

این‌ها را گفتیم تا به این موضوع تأکید کنیم که اگر اهل تاریخ مقوله‌ی «روش» را در تاریخ‌پژوهی و تاریخ‌شناسی جدی نگیرند، بحرانی را که در حال حاضر جامعه‌ی علمی ما را از حیث عدم برخورداری از توان لازم برای تولید علم در بر گرفته است، با موفقیت پشت سر نخواهند گذاشت.

یکی از مشکلات عمده‌ای که پیش روی محققان و دانشجویان تاریخ در این زمینه قرار دارد، کمبود متن‌هایی با موضوع روش تحقیق است که هم از نظر کمی و هم کیفی اصلاً قابل مقایسه با آن چه در علوم دیگری مانند جامعه‌شناسی، علم سیاست و ... شاهدیم، نیست. به جرأت می‌توان گفت که تاریخ‌شناسی جزو آن دسته از علوم است که در آن کمترین توجه به روش‌های تحقیق صورت گرفته است. شاهد این مدعا حجم بسیار اندک آثار انتشار یافته در این حوزه از تأسیس نخستین رشته‌ی دانشگاهی تاریخ (گروه تاریخ دانشگاه تهران) تاکنون است.

کمبود متون روش تحقیق در تاریخ، دانشجویان را با مشکلات و موانع عدیده‌ای در دوره‌ی تحصیل به ویژه در مقطع نگارش پایان‌نامه مواجه می‌سازد. تصور بر این است که اگر با همت هم‌قطاران در رشته‌ی تاریخ، متون



بوده است.^۲

نویسنده در تلاش است با تألیف این اثر، رویکرد علمی را در پژوهش‌های تاریخی تقویت کند، تا بلکه غرض‌ورزی‌های متعهدانه که به‌زعم وی «مهلك‌ترین و ناجوانمردانه‌ترین ضربه‌ها» را بر پیکر یک قوم وارد می‌سازد، در ساحت دانش تاریخ، بیشتر از این که هست، قوت نگیرد: «اهمیت این مسأله و به‌ویژه تمایل و یا تعهد برخی از تحلیلگران تاریخ به تحمیل



و تعمیم بینش فلسفی خاص خود در پژوهش‌های تاریخی جوامع مسلمان و به‌خصوص ایران، ضرورت توجه دوباره به روش تحقیق علمی تاریخ را مطرح می‌سازد. چه اگر محقق مغرض را به سنجش دوباره کارش بازخواند لاقبل به خواننده‌ی بی‌غرض امکان قضاوتی منصفانه در ارزش‌گذاری کار پژوهشگران را خواهد داد.^۳

نویسنده در فصل اول کتاب در پی آن است که با ارائه‌ی تعریفی از علم تاریخ که به‌زعم وی «علم شناخت حقیقت»^۴ است، با استناد به آیاتی از قرآن کریم بر علمیت آن تأکید ورزد. بر این اساس اعتقاد دارد که مسلمانان پیش از غربی‌ها به علمیت تاریخ تأکید کرده‌اند. زیرا ابن‌خلدون پیش از غربی‌ها در «مقدمه» العبر در باره علمیت تاریخ سخن گفته است.

ذاکر در ادامه، بحثی درباره‌ی روش تحقیق در تاریخ و تفاوت آن با روش تحقیق در علوم تجربی ارائه می‌کند: «برای محقق تاریخ مشاهده‌ی مستقیم وقایع در گذشته‌های نسبتاً دور و مخصوصاً تکرار و آزمایش آن‌ها به هیچ وجه امکان‌پذیر نیست و اختلاف روش تحقیق تاریخ و سایر علوم نیز از همین جا ریشه می‌گیرد. در علوم تجربی برای دستیابی به علل و امور کلی، به کمک تجربه و آزمایش مداوم، جلوه‌های استثنایی واقعیت حذف می‌شود. درحالی که در تاریخ بر آن‌ها تأکید می‌شود. اگر استثناء امری است که بروز دوباره‌اش بر احتمالی بسیار ضعیف استوار باشد و به‌ندرت بار دیگر به همان صورت نخست تکرار شود، پس تاریخ علم استثناهاست، زیرا که هر واقعه‌ای در آن تنها یک بار وقوع می‌یابد و وظیفه‌ی عالم در اینجا نه حذف استثناءها، بلکه بررسی دقیق و کشف علل سنت‌های حاکم بر آن‌هاست.»^۵

نویسنده در فصل دوم رمز موفقیت عالم را در مسیر کشف حقیقت، ایجاد شجاعت تردید در حقیقت خویش، بیان می‌کند: «پس شک در ذهنیات خویش و خشوع در برابر واقعیات راستین، نخستین گامی است که محقق باید بسوی کشف حقیقت بردارد و این نخستین قدم همواره دشوارترین نیز هست.»^۶ و پس از آن مهم‌ترین ابزار رسیدن به حقیقت را عقل انسانی عنوان می‌کند که عالم بایستی با پرهیز از تقلید، با به میدان آوردن قوه‌ی عقل به تأمل در حوادث و رویدادها بپردازد و درباره‌ی چپستی، چگونگی و چرایی آن حوادث به تعقل بپردازد و بدین گونه است که ورای تاریخ به فلسفه‌ی تاریخ ورود پیدا می‌کند: «عالم تاریخ با تفکر درست و همه‌جانبه، علت‌ها را می‌یابد و چون آن‌ها را یافت، بر آن می‌شود که رابطه‌ی میان علل را نیز کشف کند و در این جهت، عقل را به یاری می‌گیرد. محصول نهایی فعالیت عقلانی عالم در این مرحله «بینش نظم‌یافته» یا «فلسفه‌ی تاریخ» است.^۷

فصل سوم با عنوان «زمینه‌ی شناخت» به بررسی آثار و نشانه‌هایی می‌پردازد

که پژوهشگر تاریخ مبتنی بر آن‌ها به مطالعه و تأمل در حوادث گذشته روی می‌آورد. از این رو مؤلف، آثار و نشانه‌های بجا مانده را به دو گروه کلی تقسیم می‌کند: الف - آثار و نشانه‌های مادی و ب - آثار و نشانه‌های غیرمادی.

آثار مادی به مفهوم تبلور و تجلی عقاید، معیارها، ارزش‌ها و نیازهای انسان است در مواد خام طبیعی و این در چهره‌های گوناگون همچون شکل معماری، نوع مسکن، لباس، ابزار معیشت، اسباب جنگ، وسائل تفریح، اشیاء زینتی و... جلوه می‌کند.^۸

آثار غیرمادی هم به مفهوم نشانه‌ها و یادگارهایی است که بیشتر منعکس‌کننده‌ی شرایط و خصوصیات فرهنگی و عقیدتی یک قوم‌اند. این آثار مربوط به هر دوره‌ای که باشند اغلب تجلی روشنی از عقاید، مقدمات،

ارزش‌های اعتقادی و نیز خواست‌ها و نیازها و آرزوهای انسان آن دوره‌اند.^۹

نویسنده در میان آثار غیرمادی، جایگاه ویژه‌ای را به آثار مکتوب می‌بخشد:

«چه این‌گونه مدارک بالقوه می‌توانند اوضاع و شرایط اجتماعی و فرهنگی

زمان خود را به روشنی تصویر کنند و شناساگر ارزش‌های حاکم بر محیط

خویش باشند»^{۱۰}. با این حال تأکید می‌کند که پژوهشگر تاریخ همواره بایستی

رویکردی انتقادی نسبت به آثار مکتوب به‌جامانده داشته باشد. به‌زعم نویسنده

نکاتی که در این رویکرد نقادانه لازم است مورد توجه محقق تاریخ باشد - به

صورت اجمال - بدین قرار است: ۱. باید دانست که راوی یا نویسنده کیست؟

۲. رابطه‌ی نویسنده با وقایع (از نظر فاصله‌ی زمانی) چگونه بوده است؟ ۳.

باید معین کرد که آیا راوی همه‌ی حوادث را با دقتی یکسان نگریسته و شرح

داده یا این که برای پاره‌ای از آن‌ها اهمیت بیشتری قائل شده است؟ ۴. باید

به لحن و طرز بیان مطالب (عریان است و یا در قالب کنایه، اشاره و تمثیل و

طنز بیان شده) توجه کرد. ۵. متون را بایستی با یکدیگر مقایسه کرد تا صحت

و سقم آن‌ها روشن شود.^{۱۱}

نویسنده در فصل چهارم و پایانی کتاب با موضوع «فلسفه‌ی تاریخ»، آن

را شناساننده‌ی حقیقت حاکم بر تاریخ و تحولات بی‌وقفه‌ی آن تعریف

می‌کند که البته زائیده‌ی ذهن مورخ نیست؛ بلکه واقعیتی مستقل از پندارها

و سلیقه‌هاست.^{۱۲} به‌زعم مؤلف، اتکاء به روش تحقیق صحیح در بررسی

رویدادهای تاریخی، انسان را به کشف و ارائه‌ی این فلسفه قادر می‌سازد.

فلسفه‌ی تاریخی که دارای چنین ویژگی‌هایی است: ۱. دامنه‌اش تمامی

گذشته‌ی انسان را دربرمی‌گیرد و همه‌ی حوادث اجتماعی را تحلیل و تبیین

می‌کند. ۲. از توجیه منطقی هیچ حادثه‌ای باز نمی‌ماند و هیچ رویدادی را استثناء

نمی‌خواند. ۳. تنها به گذشته‌ها نمی‌پردازد، بلکه از تحولات و دگرگونی‌های

جوامع در حال و آینده نیز خبر می‌دهد و جهت تحولات و چگونگی آن‌ها

را بیان می‌کند. بنابراین، این بینش با

زندگی امروز انسان‌ها رابطه‌ی مستقیم

و عینی دارد.^{۱۳}

همان گونه که از سطور بالا برمی‌آید،

اثر م. ذاکر اگرچه بحث‌های سودمندی

درباره‌ی علم تاریخ، چگونگی استفاده از

منابع و مراجع و همین‌طور فلسفه‌ی تاریخ

ارائه می‌دهد، اما هیچ بحثی در خصوص

تکنیک‌های روش تحقیق تاریخی ندارد. نویسنده‌ی مقدمه‌ای بر روش تحقیق



اگر اهل تاریخ مقوله‌ی «روش» را در تاریخ‌ورزی و تاریخ‌شناسی جدی نگیرند، بحرانی را که در حال حاضر جامعه‌ی علمی ما را از حیث عدم برخوردارگی از توان لازم برای تولید علم در بر گرفته است، با موفقیت پشت سر نخواهند گذاشت

مأخذشناسی

تاریخ‌نگاری دارد، به شدت - حتی در انتخاب عناوین زیر فصل‌ها - متأثر از کتاب «مکتب‌های تاریخی و تجددگرایی در تاریخ» از عزت‌الله رادمش است. باز به همین روال فصل چهارم (نسخه‌شناسی) کاملاً رونویسی از کتاب‌های «نقد و تصحیح متون» و «تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی» از نجیب مایل هروی و کتاب «روش تحقیق انتقادی متون» از برگشتراسر است. تمامی فصول دیگر کتاب نیز چنین وضعیتی دارند. به جای نویسنده، این دیگران هستند که با خواننده سخن می‌گویند. بنابراین می‌توان این اثر عزت‌الله نودری را همانند دیگر آثارشان - مانند «تاریخ اروپا در قرون وسطی» و... - یک رونویسی نه‌چندان سودمند از آثار پیشینیان دانست.

- روش تحقیق و پژوهش علمی در تاریخ (راهنمای نگارش تحقیقات در علوم انسانی و تاریخ)، جواد هروی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۶

این کتاب در هشت بخش سامان یافته که عناوین آن عبارت است از: ۱. جایگاه پژوهش و روش تحقیق علمی در تاریخ ۲. ویژگی‌های مورخ و پژوهشگر علمی تاریخ ۳. مختصات نظری پژوهش تاریخی ۴. دایره‌ی مواد تحقیق در پژوهش‌های تاریخی ۵. شبکه‌ی اطلاع‌رسانی اینترنت و پژوهش تاریخی ۶. یادداشت‌برداری یا استخراج و ثبت اطلاعات ۷. نگارش نهایی و تدوین متن اصلی ۸. نگارش الحاقات و نکات دستوری و ویرایشی. نویسنده در بخش‌های مختلف کتاب به تناسب موضوع، مباحثی را درباره‌ی مسائل مختلف روش تحقیق تاریخی مورد بررسی و توجه قرار داده است. مؤلف این کتاب از حیث جمع‌آوری اطلاعات سودمند درباره‌ی مباحث مختلف روش تحقیق تاریخی، تلاش و سعی وافری از خود نشان داده است. اما متن مذکور فاقد نوآوری و مباحث بکر و جدید است. بنابراین می‌توان گفت کتاب روش تحقیق و پژوهش علمی در تاریخ مونتاز مناسبی از مباحثی است که در آثار پیش از این مانند اثر قائم مقامی و یا کتاب شارل ساماران و... آمده بود.

- درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ، علیرضا ملائی توانی، تهران: نی، ۱۳۸۶

این کتاب یکی از پژوهش‌های منسجم و مفید در حوزه‌ی روش تحقیق تاریخی است. نویسنده سعی کرده است متن منقح و موزونی را در اختیار دانش‌آموختگان تاریخ قرار دهد. بر این اساس، مطالب کتاب در هشت فصل به شرح زیر سامان یافته است: ۱. مفاهیم و مبانی پژوهش علمی در تاریخ ۲. روش‌شناسی تحقیقات تاریخی ۳. طرح تحقیق ۴. شناسایی

در تاریخ بیش از آن که شیوه‌های فنی و حرفه‌ای پژوهش تاریخی را به خوانندگان آموزش دهد، سعی کرده است آنان را از گرایش‌ها و گروه‌های ایدئولوژیکی و جانب‌دارانه و همراه با پیش‌فرض‌های متصلبانه به موضوعات تاریخی پرهیز دهد، که البته دغدغه‌ی یادشده در جای خود در حوزه‌ی تاریخ‌ورزی علمی همواره دغدغه‌ی مهمی بوده و هست.

- راهنمای پژوهش‌های تاریخی (کتاب‌خانه‌ای)، پرویز فرخ زاد، تهران: طهوری، ۱۳۸۴

اثر حاضر در هشت بخش به شرح زیر سامان یافته است: ۱. روش علمی ۲. منابع بررسی و ارزیابی آنان ۳. استناد کردن ۴. ابزار کمکی در نوشتارهای پژوهشی ۵. بررسی در عمل ۶. تنظیم پیش‌نویس گزارش ۷. حروف چینی ۸. نگرش انتقادی و کارهای پایانی.

نویسنده در فصول مختلف کتاب، موضوعات متنوع و گوناگونی را درباره‌ی روش تحقیق، گزارش‌نویسی، مقاله‌نویسی و استناد و ویرایش، مورد توجه قرار داده است. اگرچه مباحث و موضوعات مطرح‌شده از جامعیت برخوردار است، اما بیشتر تمایل و گرایش نویسنده به سمت مسائل ویرایشی و ادبی متمایل است. بر همین اساس موضوعات شکلی و دستور زبانی نسبت به مباحث دیگر غلبه‌ی بیشتری دارد.

- روش شناخت در تاریخ، عزت‌الله نودری، شیراز: نوید شیراز، ۱۳۸۵

پژوهش حاضر در هشت فصل به موضوعات متنوعی در حوزه‌ی تاریخ‌نگاری، گاه‌شماری، شناخت منابع و نسخه‌شناسی پرداخته است. عناوین فصول هشت‌گانه کتاب بدین قرار است: ۱. مکاتب تاریخ‌نگاری ۲. گاه‌شماری، نسب‌شناسی، تبدیل تاریخ ۳. شناخت منابع و شیوه‌ی نقد در تاریخ ۴. نسخه‌شناسی ۵. چگونه بنویسیم ۶. روش تحقیق در تاریخ ۷. نقش پرسش‌نامه و روش تحقیق ۸. اینترنت و تاریخ

اگرچه محورهای مطرح‌شده در این کتاب بسیار متنوع و گسترده است، اما غالب مباحث فاقد نوآوری و بیشتر می‌توان گفت گردآوری و رونویسی و تکرار مباحثی است که در آثار دیگران پیش‌تر آمده است. برای نمونه مبحث گاه‌شماری در فصل دوم کاملاً مبتنی بر سه کتاب «گاه‌نامه‌ی تطبیقی سه هزار ساله ایران» از احمد بیرشک، «گاه‌شماری در تاریخ» از ابوالفضل نبی و «کلیات گاه‌شماری در جهان» از عزیزالله بیات است. به همین ترتیب فصل اول که اختصاص به مکاتب



یکی از مشکلات عمده‌ای که پیش روی محققان و دانشجویان تاریخ قرار دارد، کمبود متن‌هایی با موضوع روش تحقیق است که هم از نظر کمی و هم کیفی اصلاً قابل مقایسه با آن چه در علوم دیگری مانند جامعه‌شناسی، علم سیاست و ... شاهدیم، نیست

مآخذشناسی

سعی دارد خوانندگان را در نوشتن مقاله‌های تحقیقی در دانشگاه راهنمایی کند و مراحل اصلی تاریخ‌نگاری حرفه‌ای را برای خوانندگان توضیح دهد. در این کتاب علاوه بر آشنایی با روش‌های مطالعه و تحقیق در تاریخ با چگونگی موضوع یابی و برخی مباحث مهم تاریخی نیز آشنا می‌شوید. بنابراین، نه تنها در حل مشکلات و مسائل تحقیق تاریخی به شما کمک می‌کند؛ بلکه در پاره‌ای موارد نیز می‌تواند راه‌گشایی برای مقاله‌نویسی در دیگر دروس دانشگاهی باشد. پس از مطالعه‌ی این کتاب و با به کارگیری روش‌های ارائه شده، خواننده باید هم یک راوی ماهر و هم یک کارگاه کار کشته شود تا بتواند با حل معماهای تاریخی و پاسخ به پرسش‌ها، حکایتی کم و بیش واقعی در مورد گذشته بیان کند»^{۱۷}.

عنوان فصل اول همخوانی چندانی با متن و محتوای آن ندارد. «نکاتی در باب تاریخ»، عنوانی است که برای این فصل انتخاب شده است، اما محتوای آن توضیحات سودمندی است درباره‌ی شیوه‌ی صحیح انتخاب موضوع و روش نگارش که چکیده‌ی آن به شرح زیر است: ۱. مقالات تاریخی خوب، عنوان دقیق و واضحی دارند. ۲. در مقاله‌ی تاریخی خوب، بحث‌های انجام‌شده باید واضح و روشنی ارائه شده باشند. ۳. مقاله‌های تاریخی خوب باید حاوی تفکرات اصلی مؤلف باشند، تا نتوان محتویات آن را در کتاب‌های درسی و یا دایره‌المعارف‌ها پیدا کرد. ۴. یک مقاله‌ی تاریخی خوب همانند یک داستان خوب است. ۵. مقالات تاریخی خوب ساختاری گام‌به‌گام و مبتنی بر اسناد و مدارک دارند. ۶. مقالات تاریخی خوب همواره با ذکر منابع، مستند می‌شوند. ۷. مقالات تاریخی خوب نباید احساساتی باشند. ۸. در یک مقاله‌ی خوب، اولین و آخرین پاراگراف آئینه‌ی همدیگر هستند. ۹. در مقالات تاریخی باید اصول آیین نگارش و دستور زبان رعایت شود. ۱۰. یک مقاله‌ی تاریخی باید مخاطب خاص خود را داشته باشد.

فصل دوم ضمن توصیه به نوشتن و این که اساساً نوشتن باعث تقویت فکر و ایده‌های جدید می‌شود، در خصوص اهمیت منابع تاریخی و چگونگی روبه‌رو شدن با آن‌ها و شیوه‌ی تحلیل، بررسی و ارزیابی مراجع گونه‌گون تاریخی، نکات ارزنده‌ای در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد. نویسنده در فواید «نوشتن» می‌نویسد: «هر کاری که محقق را وادار به نوشتن و بیشتر نوشتن کند، فکر او را پر از ایده‌هایی می‌کند که قبل از شروع نگارش به مغز هم خطور نمی‌کند»^{۱۸}.

نویسنده در ادامه با طرح این موضوع که در مطالعه‌ی تاریخ همواره باید پرسش‌هایی را درباره‌ی رویداد، در ذهن ایجاد

منابع تحقیق: فیسبرداری و تنظیم داده‌ها ۵. نقد، تصفیه و پالایش داده‌ها ۶. تحلیل داده‌ها و دشواری‌های بازآفرینی تاریخ ۷. نگارش متن تحقیق و اجزای شکل‌دهنده‌ی پژوهش ۸. ملاحظات دیگر درباره‌ی پایان‌نامه‌ها و نقد آثار پژوهشی

— راهنمای نگارش در تاریخ (دست‌نامه‌ی تحقیق برای دانشجویان)، تألیف و ترجمه: دکتر مرتضی نورایی، مشهد: جهاددانشگاهی مشهد، ۱۳۸۷

کتاب حاضر دارای یک پیش‌گفتار، مقدمه، هفت فصل و کتاب‌نامه است. عناوین فصول هفت‌گانه عبارت است از: ۱. نکاتی درباره‌ی تاریخ ۲. تفکر تاریخی ۳. شیوه‌ی نگارش تاریخی ۴. گردآوری اطلاعات ۵. یادداشت‌برداری و تهیه‌ی پیش‌نویس ۶. ثبت منابع و مآخذ ۷. نمونه پژوهش‌های دانشجویی. این اثر در واقع برگردان برخی از قسمت‌های کتاب زیر است: Richard Marius and Melvin E. Page, A short Guide to Writing About History, New York, ۲۰۰۲: ۲۲۷

نورایی در پیش‌گفتار کتاب در توضیح کاری که در قالب ترجمه و تألیف انجام داده، می‌نویسد: «معمولاً کتاب‌هایی از این دست برای خوانندگان ایرانی دارای دو اشکال است. یکی مثال‌های آن که از جغرافیای سیاسی دایره‌ی زندگی مؤلف انتخاب شده و دیگر توصیه‌های ویراستاری است. بدین منظور بیش از نیمی از کتاب بالا برای خوانندگان این اثر در زبان فارسی باید دگرگون می‌شد. به عبارت دیگر حذف مثال‌ها و دستورالعمل‌های نگارشی و جایگزینی آن‌ها از موارد جغرافیای تاریخی ایران جهت کارایی لازم شد. در این زمینه تلاش شد تا ضمن آوردن مثال‌های متعدد لازم از متون تاریخی ایران، خوانندگان جوان را به منابع و مطالعات تاریخ رهنمون سازد»^{۱۵}.

نویسنده در مقدمه‌ای نسبتاً طولانی با اشاره به ماهیت معرفت تاریخی و صعوبت‌های زیادی که در نیل به آن باید از سر گذراند، به نگارش تاریخ می‌پردازد و از آن به عنوان «یک روش تفکر» یاد می‌کند: «تاریخ و نگارش دو بال یک پرنده هستند که قابل جداسازی نیستند. تاریخ را بدون نوشتن درباره‌ی آن نمی‌توان به خوبی شناخت. نوشتن در مورد تاریخ باعث می‌شود تا ما به افکار و کردارمان سامان دهیم و علف‌های هرز تناقض‌ها را از کشتزار ذهن مان ریشه کن کنیم»^{۱۶}. سطور پایانی مقدمه‌ی کتاب اختصاص به هدف، انگیزه و قصدی دارد که نویسنده به دنبال آن بوده است: «این کتاب



نویسنده در فصل پنجم، شیوه‌های یادداشت‌برداری و تهیه‌ی پیش‌نویس را توضیح داده است. نکته‌ای که در این قسمت مورد تأکید قرار گرفته، هم‌زمانی تهیه‌ی مواد تحقیق با نگارش آن است که دارای مزایای زیادی برای پژوهشگران است. شیوه‌های مختلف ارجاع به منابع و مآخذ گونه‌گون تاریخی در فصل ششم با ذکر مثال‌های مناسب توضیح داده شده است. نیز تنظیم فهرست منابع و مآخذ در پایان نوشتار هم از جمله موضوعاتی است که در این فصل به خوبی تشریح شده است. در نهایت، فصل پایانی کتاب اختصاص به دو نمونه از پژوهش‌های دانشجویی دارد که مطالعه‌ی آن‌ها می‌تواند نشان‌دهنده‌ی راه‌های عملی نگارش تحقیقی باشد.

آن‌چنان‌که از توضیحات فوق در معرفی کتاب راهنمای نگارش در تاریخ برمی‌آید، مطالب و مباحث مفیدی در آن جای گرفته که مطالعه‌ی آن‌ها برای پژوهشگران و به‌ویژه دانشجویان تازه‌کار می‌تواند بسیار مفید باشد. بخشی از تکنیک‌های پژوهشی در این کتاب به خوبی توضیح داده شده است. اما واضح است که مخاطب این کتاب بیشتر مبتدیان هستند تا دانشجویانی که با یادگیری این مباحث در مقطع کارشناسی، آماده می‌شوند در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری به صورت پیشرفته و حرفه‌ای‌تر به تحقیق و نگارش روی بیاورند.

– روش پژوهش در تاریخ، حسین میرجعفری و مرتضی نورایی، تهران:

سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷
نویسندگان، ساختار کتاب را در دو بخش تنظیم کرده‌اند. بخش اول با عنوان «مراحل تحقیق»، مباحثی از قبیل: ۱. موضوع یابی ۲. منبع‌شناسی ۳. یادداشت‌برداری ۴. سازماندهی تحقیق را در درون خود دارد. اما موضوعات محوری که در بخش دوم با عنوان «مراحل ثانویه تحقیق»، مورد بحث و بررسی قرار گرفته، عبارت است از: ۱. چگونگی نگارش ۲. متن ۳. مستندات و ۴. مبانی و اصول مورخی

موضوعاتی که در قالب فصول مختلف در این کتاب به بحث گذاشته شده، برای محققان آکادمیک تاریخ می‌تواند بسیار سودمند باشد. نویسندگان کتاب سعی کرده‌اند مباحث کلیدی که در پژوهش‌های تاریخی بایستی مورد توجه دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری قرار گیرد، در قالب مثال‌های ساده و گویا از تاریخ اسلام و ایران، ارائه کنند.

– روش تحقیق عمومی، دکتر احمد پاکتچی، ویرایش و تنظیم: مصطفی فروتن تنها، تهران: انجمن علمی دانشجویی الهیات دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول ۱۳۸۷

این کتاب که درس گفتارهای دکتر پاکتچی در دانشگاه امام صادق (ع) است، در ۵ فصل به شرح زیر تنظیم یافته است:

فصل اول – ماهیت و استانداردهای تحقیق. نویسنده در این فصل موضوعاتی مانند تفاوت بین مطالعه و تحقیق، ویژگی‌های یک تحقیق، ویژگی‌های فردی محقق و استانداردهای تحقیق مثل ایده، تعیین موضوع و امکانات را به بحث گذاشته است.

فصل دوم – مطالعه‌ی اولیه. در این فصل مطالعات پیشین و نخستین در فرایند پژوهش مانند نحوه استفاده از کتابخانه‌ها، منابع مطالعه‌ی اولیه، روش کار با منابع و منبع‌یابی مورد توجه قرار گرفته است.

فصل سوم – یادداشت‌برداری. روش‌های یادداشت‌برداری و روش‌های

کرد و برای پاسخ دادن به آن پرسش‌ها به غور در منابع اولیه و ثانویه روی آورد، پنج پرسش کلیدی را این‌گونه طرح می‌کند: ۱. پرسش‌های کیستی ۲. پرسش‌های چستی ۳. پرسش‌های زمانی (کی) ۴. پرسش‌های مکانی (کجایی) و ۵. پرسش‌های چرایی. به‌زعم نویسنده پرسش‌های چرایی به بررسی رابطه‌ی علت و معلولی بین وقایع می‌پردازند، رابطه‌ای که در مطالعات تاریخی نسبت وثیقی با یکدیگر دارند. با این حال نکاتی را در طرح سؤالات چرایی باید در نظر گرفت: ۱. همواره باید بین عامل بی واسطه یا نزدیک و عوامل زمینه‌ساز یک رخداد مهم تمایز قائل شد؛ ۲. علت‌شناسی تاریخی فرایندی مرکب و پیچیده است؛ ۳. در داوری خود پیوسته باید محتاط بود؛ ۴. از سفسطه‌های معمول تاریخی باید دوری کرد.^۹

نویسنده در فصل سوم به تشریح چهار سبک نگارشی که مورد استفاده تاریخ پژوهان قرار می‌گیرد، پرداخته است: ۱. سبک نگارش توصیفی (description)؛ ۲. سبک نگارش روایی – نقلی (narrative)؛ ۳. سبک نگارش تحلیلی (exposition)؛ ۴. سبک نگارش چرایی (argument) نورایی برای واژه‌ی argument معادل فارسی چرایی را انتخاب کرده است که به نظر می‌رسد ناراست است. زیرا در ادبیات فارسی مفهوم چرایی درباره‌ی پژوهش‌های تحلیلی به کار می‌رود. یعنی نوع سوم از نگارش‌ها که در همین فصل مورد بررسی و تبیین قرار گرفته است. اما آن‌گونه که از توضیحات نویسندگان اصلی این کتاب برمی‌آید، روش نگارش argumental روشی است که در ادبیات فارسی از آن به روش احتجاجی و مباحثه‌ای یاد می‌شود. «این روش همانند یک گفت‌وگو (دیالوگ) و مناظره بین طرف‌های مختلف است که یک طرف سعی در اثبات درستی نظریه خود و نادرستی دیگر نظریات دارد»^{۱۰}. بنابراین به نظر می‌رسد اگر مترجم به جای نگارش چرایی از نگارش مباحثه‌ای و یا احتجاجی برای ترجمه argument استفاده می‌کرد، گویاتر بود و تداخلی در ذهن خوانندگان بین روش تحلیلی و چرایی ایجاد نمی‌گردید.

به هر حال، نویسنده در این فصل تلاش می‌کند با تبیین روش‌های مختلف نگارش تاریخی به این جمع‌بندی برسد که پژوهش‌های تاریخی می‌تواند ترکیبی از روش‌های یادشده باشد. یعنی روش توصیفی، روایت و تحلیل می‌تواند هم‌زمان و در کنار یکدیگر و با در طول هم در پژوهش‌های تاریخی مورد توجه و استفاده‌ی پژوهشگران تاریخی قرار بگیرد. مبحث پایانی این فصل چند توصیه‌ی اصولی به پژوهشگران تاریخ است. این که: ۱. همیشه مبانی نظری خود را به طور صریح و مختصر بیان کنید؛ ۲. برای اثبات نظر خود، مثال‌هایی ارائه کنید؛ ۳. همیشه در برخورد با کسانی که با نظر شما مخالف هستند، منصفانه برخورد کنید؛ ۴. همواره باید کاستی‌ها و ضعف‌های نظریه‌ی خود را پذیرفت. مواردی را که مخالفان ممکن است در تقابل با نظر مطرح‌شده بیان کنند، شناسایی و تصدیق کنید؛ ۶. در مقاله‌ی خود نباید از موضوع اصلی دور شد و با انباشتن کوهی از جزئیات بی‌مورد، اصل مطلب را گم کرد.^{۱۱}

چگونگی انتخاب موضوع و عنوان برای پژوهش، انواع منابع تاریخی (اولیه و ثانویه)، شیوه‌ی جست‌وجو در منابع تاریخی و منابع مرجع مانند دایره‌المعارف‌ها، کتابخانه و راهنمای مجلات تخصصی (index)، محورهای اصلی مباحث فصل چهارم کتاب با عنوان «گردآوری اطلاعات» را تشکیل می‌دهند که در جای خود مباحث سودمندی را در اختیار خواننده قرار می‌دهد.

طبقه‌بندی موضوعی فیش‌ها در این فصل مورد اشاره قرار گرفته است. فصل چهارم - نوشتن نهایی. نویسنده در این فصل مراحل نوشتن، شیوه‌های نگارش و رعایت اصول پاراگراف‌بندی و ارجاع‌دهی را مورد توجه قرار داده است.

فصل پنجم - آشنایی با دایره‌المعارف‌ها. در این فصل همان‌گونه که از عنوان آن برمی‌آید، نویسنده سعی کرده است دانشجویان را با انواع دایره‌المعارف‌های عمومی و تخصصی آشنا سازد و چگونگی استفاده مطلوب از آن‌ها را به آنان بیاموزد.

درس گفتارهای دکتر پاکتچی از حیث آشنا شدن دانشجویان با اصول اولیه‌ی روش تحقیق می‌تواند مفید باشد. به‌ویژه این‌که در متن کتاب برای انتقال مطالب از مثال‌های بسیار مناسب و فراوانی استفاده شده است که همین ویژگی می‌تواند مزیت عمده‌ی این اثر باشد.

- مقدمه‌ای بر روش تحقیق در تاریخ، ج. کیتسن کلارک، ترجمه اوانس اوانسیان، تهران: اساطیر، ۱۳۶۲
این کتاب ۶۵ صفحه‌ای ترجمه‌ای است از:

Guide For Research Student Working On Historical Subjects, C.U.P, Second Edition, ۱۹۶۸

این کتاب بیشتر شبیه به جزوه‌ی درسی دانشگاهی است که نویسنده آن را با هدف در اختیار قرار دادن اصول اولیه‌ی روش تحقیق برای دانشجویانش تهیه کرده است. مطالب آن بسیار شبیه به کتاب قائم‌مقامی است. اما به جرأت می‌توان گفت اثر قائم‌مقامی به مراتب قوی‌تر و منسجم‌تر از کار کلارک است. هفت محور اصلی در این کتاب (هدف از تحقیق، انتخاب موضوع، وسائیل لازم، نقد شواهد، ارائه شواهد) حاوی توضیحات اولیه و معمولی است که البته برای دانشجویان کارشناسی که تازه شروع به تحصیل در رشته تاریخ می‌کنند، می‌تواند مفید باشد. با توجه به این‌که چاپ اول کتاب در سال ۱۹۵۸ م. بوده، بنابراین نمی‌توان بر کیفیت پایین آن زیاد خرده گرفت.

- روش‌های پژوهش در تاریخ، شارل ساماران (با همکاری مؤلفان)، مترجمان: ابوالقاسم بیگنا، و دیگران؛ مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰، ج. ۴.

شاید مفصل‌ترین کتابی که درباره‌ی روش تحقیق در تاریخ نوشته شده، اثر حاضر باشد. ناروا نیست اگر به گفته‌ی نویسنده‌ی آن، برای توصیف آن از واژه‌ی «دایره‌المعارف» استفاده شود. کتاب موردنظر با همکاری گروهی از متخصصان و استادان علم تاریخ در فرانسه نوشته شده است. هرچند اغلب مقالات آن با شیوه‌های پژوهش در تاریخ فرانسه مربوط می‌شود، لکن هم‌چنان که در مقدمه‌ی کتاب آمده، این اثر هم‌چون مجموعه‌ای است که می‌تواند پاسخ‌گوی نیاز محققان در بررسی تاریخ دیگر کشورها نیز باشد. از این روست که ناشران کتاب آن را «دایره‌المعارف» نیز نامیده‌اند. کتاب روش‌های پژوهش در تاریخ را انتشارات گالیمار در سلسله کتاب‌های پلیاد به سال ۱۹۶۵ در ۴ جلد منتشر کرد. در ایران چند تن از اهل فن به ترجمه آن همت گماردند که در دو مجلد در دسترس خوانندگان قرار گرفته است.

فهرست مطالب اجمالی کتاب، خود به خوبی گویای حجم گسترده و متنوع

مباحث سودمندی است که در آن قرار دارد: ۱. تاریخ چیست؟ ۲. زمان و مکان در تاریخ ۳. شیوه‌های مختلف انتقال خبر و کشفیات بزرگ ۴. بررسی شواهد و مدارک به شیوه‌ی علمی، علوم کمکی سنتی، شواهد مصور و... ۵. ابزار جدید رسانه‌ها - شواهد ضبط‌شده ۶. چند گرایش تازه ۷. حفاظت و نگهداری آثار و شواهد گذشته و ارائه‌ی آن‌ها ۸. علوم کمکی سنتی، اسناد و شواهد کتبی ۹. بهره‌برداری انتقادی از مدارک و شواهد ۱۰. حرفه‌ی تاریخ‌نویسی.

تمام مباحث مندرج در این کتاب، از جمله موضوعات مهمی است که بایستی از سوی پژوهشگران مورد توجه و امان نظر قرار بگیرد. اما همان‌گونه که از عناوین فصول مختلف کتاب برمی‌آید، تکیه‌ی اصلی نویسندگان این کتاب به منابع، اسناد و مدارک تاریخی و چگونگی بررسی و نقد و ارزیابی آن‌ها قرار دارد و از دیگر موضوعات روشی در حوزه‌ی تاریخ‌ورزی تقریباً می‌توان گفت غفلت شده و یا بسیار مختصر بدان‌ها پرداخته شده است. به عبارت دیگر این اثر بیشتر به منبع‌شناسی و معرفی شاخه‌ها و شعبات علم تاریخ و علوم هم‌پیوند با آن می‌پردازد تا صرف روش تحقیق در تاریخ.

پی‌نوشت

1. hazrati@ut.ac.ir

۲. دوست فاضلم دکتر نصرالله صالحی در مقاله‌ای، به معرفی و بررسی مقالات و کتاب‌هایی که درباره‌ی روش تحقیق در تاریخ نوشته شده است، پرداخته‌اند. بنابراین برای پرهیز از تکرار در نوشتار پیش‌رو از بحث درباره‌ی کتاب‌های آیین نگارش تاریخ، رشید یاسمی، روش تحقیق در تاریخ‌نگاری، جهانگیر قائم‌مقامی و آشنایی مقدماتی با روش تحقیق در تاریخ، رسول جعفریان، اجتناب می‌شود. بنگرید: صالحی، نصرالله؛ کتابشناسی روش تحقیق در تاریخ، فصلنامه پژوهش

و حوزه، ش ۱۳-۱۴، بهار و تابستان ۱۳۸۲، ص ۲۸۶

۳. ذاکر، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در تاریخ، م. ذاکر، تهران: نشر آیت، بی تا، ص ۱۱

۴. همانجا

۵. همو، ص ۱۵

۶. همو، ص ۲۱

۷. همو، ص ۲۳

۸. همو، ص ۳۴

۹. همو، ص ۳۶

۱۰. همو، ص ۳۷

۱۱. همو، ص ۲۸

۱۲. همو، ص ۴۵

۱۳. همو، ص ۶۲

۱۴. همانجا

۱۵. نورایی، مرتضی؛ راهنمای نگارش در تاریخ (دستنامه تحقیق برای دانشجویان)، مشهد: جهاد دانشگاهی مشهد، ۱۳۸۷، چاپ اول. ص ۱۰

۱۶. همو، ص ۱۸

۱۷. همو، ص ۲۶

۱۸. همو، ص ۴۶

۱۹. صص ۵۱-۵۴

۲۰. همو، ص ۷۲

۲۱. همو، ص ۷۷